

مافیای قدرت

در درگیری های سیاسی و جناحی اغلب مشاهده میگردد برای خارج کردن رقیب از صحنه اصطلاحات و عناوینی علیه یکدیگر بکار گرفته می شود که نه تنها از نظر اخلاقی مذموم و ناپسند می باشد بلکه می تواند آثار و تبعات خطرناکی را هم چه از نظر اجتماعی و سیاسی و چه از نظر حقوقی و کیفری ببار آورد. مدتی است که بعضی از گروههای جبهه دوم خرداد به ویژه برادران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در بیانیه ها و روزنامه های خود برای برخورد با جناح رقیب عنوان مافیای قدرت را بدون آنکه دلیل و یا شواهدی بر صحت این اطلاق ارائه دهند بکار میگیرند.

در اینجا سعی خواهیم کرد که از نظر علمی و جامعه شناسی اصطلاح مافیای قدرت را تعریف و تشریح نمائیم. این اصطلاح از دو واژه **مافیا و قدرت** تشکیل گردیده است که به تفکیک به آنها می پردازیم.

مافیا کلمه است لاتین که ریشه آن نیز نامعلوم بوده و بر یک شبکه مخوف غیر قانونی و بی رحم اطلاق میگردد که ابتدائاً در جزایر سیسیل ایتالیا تشکیل شده و حوزه و گستره آن نه تنها بر کشور ایتالیا سایه افکنده بلکه در بسیاری از کشورهای غربی منجمله امریکا آثار اقدامات آنها مشاهده می گردد. آنچه را که در رابطه با این شبکه می توان گفت این است که آنها خود را تابع هیچ قانون و ضوابطی نمیدانند و در راه رسیدن به خواسته های خود که عموماً کسب ثروت و مکنت می باشد پای بند هیچ اصولی اعم از اصول اخلاقی، قانونی و... نمی باشد. قتل و جنایت برای آنها همان قدر عادی است که تعارف و مراودات انسانی برای مردم دیگر. آنها دنبال کسب قدرت سیاسی نیستند بلکه قدرت سیاسی را در خدمت منافع نامشروع خود می خواهند و تا زمانی که قدرت سیاسی برای این شبکه مخوف مشکلاتی را بوجود نیآورد با او کاری ندارند و چنانچه هر زمان فردی و یا گروهی از صاحبان قدرت قانونی، مخل اعمال با بی رحمی هر چه تمام تر و از طریق ترور و قتل به زندگی و حیات او خاتمه می دهند. ریشه اغلب مشکلات و گرفتاری های جوامع غربی بویژه قاچاق و توزیع مواد مخدر از وجود چنین شبکه های مافیایی است. آنها نسبت به حفظ شبکه خود و اسرار درون سازمانی فوق العاده حساس بوده و اجازه نمی دهند به هر طریق ممکن شبکه آنها متلاشی و یا اسرار آن ها فاش گردد و به همین علت با گذشت متجاوز از یک قرن از ایجاد آن و ضربات سختی که خورده اند همچنان به حیات خود ادامه می دهند و در حقیقت مافیا حکومتی ماندنی و نامرئی در حکومت ایتالیا شده است. و اما قدرت، خود بر دو نوع است یکی قدرت قانونی که در همه جوامع به شکل

نهادهای و ساختارهای رسمی و دولتی تجلی نموده و در تمام کشورهای دنیا به عنوان واقعیتی قانونی و مشروع پذیرفته شده است. این که این قدرت مشروعیت خود را از کجا اخذ نموده و به چه طریق تثبیت می گردد مبحث جداگانه ای است که موضوع مطالعات علوم سیاسی می باشد و موضوع بحث ما در این نوشته نمی باشد.

نوع دیگر قدرت جنبه غیر قانونی و غیر محسوس دارد که از طریق گروههای ذی نفوذ و فشار و یا بعضاً شبکه های زیر زمینی و تروریستی اعمال شده و بر ساختار رسمی قدرت اثر گذاشته و به نوعی در آن اختلال ایجاد کرده و خواسته های غیر قانونی و نامشروع خود را دنبال می کند. در کشورهای غربی به وضوح این نوع از عناصر قدرت در کنار قدرت قانونی و رسمی وجود داشته و تأثیرگذار هم می باشد.

تردید نیست ترکیب واژه **مافیا با قدرت** نمی تواند بیانگر نهادهای رسمی و قانونی و یا حتی گروههای ذی نفوذ سیاسی مانند احزاب، جناح های سیاسی یا اشخاص شناخته شده ذی نفوذ تلقی گردد. بلکه یقیناً به همان گروه های مخوف تروریستی، نامرئی و غیر قانونی اطلاق می گردد که پای بند هیچگونه آداب و اخلاق، انسانی و سیاسی نبوده بلکه شرارت، بی رحمی، قساوت سرلوحه اعمالشان است. به عبارتی منطق آنها تنها گلوله و انفجار و هدم انسانهایی است که مزاحم خواسته های مادی آنها می گردند.

اینک خطاب من به برادران عزیز است که این اصطلاح را برای رقبای خود در جناح مقابل و در جامعه ای با نظام اسلامی به کار می برند، آیا انصافاً این اصطلاح با تعریفی که ارائه شد بر جناح مقابل شما صدق می کند؟ آیا از نظر شرعی و اسلامی پاسخگو خواهید بود؟ و آیا واقعا این شبکه مافیای قدرت را که از او نام می برید شناخته و دلایل و مدارکی بر ماهیت وجودی آنها در اختیار دارید؟ در این صورت چرا با ذکر نام و نشان آنها را معرفی نمی کنید؟ در حالی که در میان رهبران و سران هر دو جناح افرادی را می بینیم که نه تنها با تمام وجود اسلام و انقلاب اسلامی و قانون را قبول داشته، بلکه بعضاً ملاحظه شده است که در انجام فریضه مذهبی نماز به یکدیگر نیز اقتدا می کنند بدین معنا که هر یک دیگری را علیرغم اختلاف نظرهای سیاسی به عنوان فردی عادل قبول داشته و روابط مذهبی خود را با یکدیگر بر این اساس تنظیم می کنند.

پس چگونه است که شما هر اقدامی که در کشور صورت میگیرد و به ویژه اقداماتی که از کانال های قانونی، اعم از قضائی، اجرائی و تقنینی صورت می گیرد به مافیای قدرت نسبت میدهید؟ آیا جز این است

که شما با این اتهام وجود دست های نامرئی مخوفی را که مطلقاً واقعیت ندارد گرداننده و چرخاننده تحولات و اقدامات سیاسی، اجتماعی در کشور میدانید؟ البته این بدین معنا نیست که باید مهرتأیید بر همه تصمیمات و اقدامات نهادهای قانونی و یا گروه ها و جناح های سیاسی بزنید ولی در خلوتکده وجدان خود و با رعایت همه اصول اخلاقی، اسلامی و پسندیده و در عین حال واقع بینانه می باشد یا خیر؟ و یا اینکه خدای ناکرده نفوذی های دشمن در میان شما با القای چنین واژه ها و نظراتی تلاش در تعمیق هرچه بیشتر شکاف میان شما و برادرانتان در جناح مقابل کرده تا نهایتاً و بنا به مثل معروف و سیاست شناخته شده تفرقه بیاندازد و حکومت کن پیر استعمارگر انگلیس، برخر مراد سوار شده و حاکمیت و قدرت را هم از شما و هم از جناح رقیب بگیرند.